تحلیل و علت حجّت آوردن قراء برای قرائات

استاد: ابو علی فارسی برای بغداد است. در منطقه عراق از زمان ابن مسعود به بعد اصلاً این بود. این هم یکی از آن‌ها است. ابو عمرو بصری می‌گوید «یقص»، «یقض». قضا با فصل و... ؛ چیزهایی که خودمان در مجمع البیان مدام می‌خوانیم. او نه‌یب می‌زند و می‌گوید «وی اهل العراق! تقیسون فی القرآن؟!». اما متاخرین چه کار کرده‌اند؟ مثل ابن جزری، مثل ابوشامه و دیگران دیده‌اند که صدها کتاب حجة القرائات در دستشان هست، خب این‌ها را چه کار کنند؟ گفته‌اند درست است که علماء در باب احتجاج القرائات می‌رفتند اما در حدی بود که فقط وجه قرائت را بگویند، اما به نحوی نبوده که «تسقط القرائة الاخری عن الحجیه»؛ می‌گوییم وجه این این است و وجه آن آن است. مثل اینکه آقای حکیمی فرمودند «فالبناء علی رجحان ملک متعین». یعنی احتجاج که می‌کنیم می‌گوییم این بهتر است. این برای اختیار انسب است. اما نه اینکه آن دیگری از احتجاج بیافتد.

بنابراین این یک احتمال شد که وقتی مالک می گفته «ان قرائة النافع هی السنه» یعنی نافع هرچه می‌گوید آیینه است. قرار نیست که خودش تفسیر بفهمد و فهم متن را در آن دخالت بدهد.

شاگرد: در کلمات معصومین حجت به این معنا هم زیاد است. برای اینکه وجهی را صاف کنند استدلال می‌آورند.

استاد: درست است. حجت به این معنا هم هست. اصلاً مشکلی ندارد. این عقیده من طلبه است؛ یکی از مهمترین تراث عظیم اسلامی کتب احتجاجات قرائات است. اگر دنبال آن بروید می‌بینید که چه دستگاهی دارند. شوخی نیست. علماء بزرگ همه این‌ها را آورده‌اند و بحث‌های ادبی، نحوی، تفسیری عالی‌ای را مطرح می‌کنند. چقدر فکر برای این‌ها انجام شده و خیلی هم خوب است. اما آن منافاتی با عالم قاری ها ندارد. مقری می‌گوید با من چه کار داری که من بگویم «انه» ضمیر مرجع هست و «آل یاسین» نخوان و... .

شاگرد: حجت در اینجا سماع است.

استاد: سماع است و بس. حال به بحث دیروز برگردیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 6 آوریل 2024 14:25:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2024 14:54:59 توسط ... .